

از تفکر سنجش گرانه نگاه ارزیابان و سنجش گران است. مثلا من وقتی که درس منطق الطیر عطار را تدریس می‌کردم در دانشگاه اولین کاری که تمام مقالات دانشگاهی که تا حالا راجع به منطق الطیر نوشته شده را جمع‌آوری می‌کردم و نگاه می‌کردیم ببینیم خوب است چه منظرهایی تا حالا در منطق الطیر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و تمام شرح‌هایی را که به منطق الطیر نوشته شده را کنار هم می‌گذاشتیم ببینیم این شرح‌ها چه فرقی‌هایی باهم دارند چه خلاهایی دارند و بعد هم مسلما خواندن خود متن و عطار جایگاهی که در ادبیات عرفانی ما دارد.

جایگاهی که نسبت به آثار قبل و بعدش دارد و موقعیتش نسبت به من ایرانی که در این قرن نشستم و نسبتی که با زندگی امروز من دارد. تفکر سنجش گرانه در واقع گفتگو با مسائل هست. گفتگو با موضوعها محتواها کتاب‌ها. این گفتگویی که با متون انجام میشود باعث میشود که این متون هم با ما صحبت کنند. باعث میشود که این متون به عصر ما به دنیای ما وارد شوند و باعث میشود پرهیز کنیم از اینکه فقط آنها را ستایش کنیم و یا آنها را بر روی طاقت بگذاریم و افتخار کنیم بهشان. وقتی با تفکری سنجش گرانه سراغ متون می‌رویم در واقع با متون گفتگو می‌کنیم و فاصله زمانی و مکانی قرن‌ها فاصله‌ای که میان من به خواننده‌ای که در قرن پانزدهم هستم و نویسنده و شاعری که هفت یا هشت قرن قبل از من میزیسته را از بین میبرد و او را به عصر من می‌آورد.

اساسا آیا تفکر نقادانه در شیوه‌های آموزشی و دانشگاهی ما تعریف شده است؟

برای پاسخ به این سوال من دانشجویان رشته ادبیات را مثال می‌زنم. دانشجوی لیسانس ادبیات فارسی دو یا چهار واحد درس نقد ادبی را می‌گذرانند. واحدهای دو که در آن درس با دیدگاه‌های کسانی که در حوزه نقد ادبی در جهان و ایران کار کردن آشنا می‌شود، در واقع آن دیدگاه‌ها را حفظ می‌کند و بعد از او درباره این دیدگاهها سوال میشود و دانشجو مینویسد. در حالی که دانشجوی ما در رشته ادبیات به شدت نیاز به تفکر سنجشگرانه و مولفه‌ها و معیارهای آن داریم در هیچ یک از مقاطع لیسانس و ارشد و دکتری هم چنین تفکری به دانشجوی آموزش داده نمیشود و در دوره ارشد یکدفعه از دانشجویی که تا حالا داشته معنای متون را حفظ می‌کرده می‌خواهند که پایان نامه بنویسد.

در درس مرجع شناسی و روش تحقیق در اکثر دانشگاه‌های ما فقط مرجع شناسی تدریس میشود و روش تحقیق بسیار محدود ارائه میشود و حتی درون روش تحقیق هم ما به ضرس قاطع میدانم که بحثی به نام تفکر نقادانه نداریم حتی در دوره دکتری هم اکثر دانشجویان بسیار چالش دارند با نوشتن رساله دکتری زیرا که در هیچ یک از مقاطع ما نقد را به شیوه‌ای عملی با پایهی تفکر سنجشگرانه دانستن شیوه‌های نقد و نوشتن یاد نمی‌گیریم که بتوانیم پایان نامه ارشد و رساله دکتری بنویسیم و یا بتوانیم با متون ادبی موند ارتباط با ارزیابی و سنجش گرانه برقرار کنیم.

از بازی که به اسم شما ثبت شده بگوئید و اینکه چه شد که این فکر به ذهنتان رسید و برای ثبتش چه مسیری رو طی کردید؟

درباره‌ی بازی شعر آشنا که در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ثبت شده یک نوع بازی فکری هست بر پایه‌ی شعر که همانطور که در اساسنامه‌ی آن هم ارائه شد اقتباسی هست از یک بازی ژاپنی به نام کاروتا که از قرن ۱۷ میلادی تا امروز در ژاپن قدمت دارد و جالبه بدونید که در واقع ژاپن انجمن کارواتی

ملی دارد و همچنین از سال ۲۰۱۲ تورنمنت جهانی برگزار میکند و این بازی را به عنوان صادرات فرهنگی خودش تبدیل کرده‌ما دیدیم قدمت و غنای شعر ایران به علاوه‌ی آهنگین بودن اشعارمون به اطمینان میشود گفت که در هیچ جای دنیا شعر فارسی با این گستردگی، آهنگین بودن و قدمت نداریم و مسلما برای این بازی به فکر رسید که بر روی شعر فارسی انجام بدهیم.

البته در این راه برخی از دانشجویان دکتری ادبیات دانشگاه مازندران، آقای دکترها دی درود و خانم دکتر سارا کارگر با من همراه بودند و در بومی سازی این بازی به من ایده دادند و با هم فکری داشتیم.

در واقع سعی کردیم این بازی را متناسب با فرهنگ ایرانی و شعر پر آوازه ایرانی انجام بدهیم که بتوانیم از این طریق شعر را به زندگی مردم بیاوریم و بتوانیم نقشی در زنده نگه داشتن فرهنگ غنی و مطالعه ایران داشته باشیم. این بازی چند مجموعه دارد. معنای اشعار حافظ، خیام نیشابوری، شعر و غزل معاصر، از غزلیات شمس و مثنوی معنوی و مجموعه شاهنامه و چند مجموعه دیگر.

در پشت کارت‌های شعر ماتم‌های مختلف قرار دادیم. مثلا مجموعه‌ی حافظ از شاهکارهای نگارگری ایرانی را دارد، مجموعه‌ی خیام هنر ایران در عصر سلجوقی را دارد، مجموعه شعر نو تصاویر و نقاشی‌های معاصر ایرانی را دارد. تصویرسازی‌های معاصر ایرانی، مجموعه‌ی شاهنامه شامل شاهنامه نگاری از گذشته تا امروز را دارد. مجموعه‌ی غزلیات شمس نقاشی خط که یک هنر واقعاً درخشان هست به خصوص در سال‌های اخیر را دارد. به این ترتیب سعی کردیم علاوه برای اشاعه فرهنگی ادبی این مجموعه باعث آشنایی کاربران با هنر اصیل ایرانی و هنر نقاشی نگارگری شود. ضمن اینکه این بازی یک راوی دارد شعرها را روایت می‌کند. این شعرها در دستگاه‌های ایرانی خوانده میشوند و در واقع این بازی یک جور پرفورمنس از هنر موسیقی، نقاشی و شعر ایرانی. مسیری که طی کردیم برای ثبت و ارائه آن در کانون پرورش فکری که استقبال شد و درباره اجرای آن به ما پیشنهاداتی دادند یکی دوبار تغییراتی را ایجاد کردیم و کیفیتش بهتر شد و این باعث شد که با نسخه نهایی با کیفیت بیشتری ارائه شود، و در نهایت مجوز طراحی و تولید گرفت.

این بازی برای چه رده سنی هست و هدفش تمرکز روی چه موضوعی‌ست؟ آیا این بازی نیازمند دانش ادبی بالایی‌ست؟

رده سنی این بازی ۴ تا ۸۰ ساله هست. یعنی هر کسی که توانایی خواندن و نوشتن داشته باشد میتواند این بازی را انجام دهد. ما برای سالمندان عزیز مجموعه را به شکل درشت خط طراحی کردیم و با گروهمون به خانه‌های سالمندان می‌رویم که این بازی را آموزش بدهیم به این دلیل که این بازی در تقویت حافظه و جلوگیری از بیماری‌هایی مثل آلزایمر بسیار موثر است و ذهن را پویا نگه میدارد. هدف این بازی زنده نگهداشتن میراث ادبی ما، گسترده کردن واژگان ادبی ما هست و چون به شکل یک پرفورمنس برگزار می‌شود جذابیت و هیجان دارد. بازی‌های زیادی هستند که در کافه بازی‌ها وجود دارند، که اکثرا هم بازی‌های خارجی هستند که خب اگر با مخاطب ایرانی بتواند ارتباط برقرار کند خیلی هم خوب است. ولی چقدر خوبه که در کنارش یک بازی ایرانی هم که به شکل پرفورمنس اجرا میشود و آدم‌ها را دور هم جمع میکند وجود داشته باشد.

چند دقیقه جوان‌ها نوجوان‌ها را از گوشی موبایل

راحت میکنند باید فکر کنند به واژه‌ها به آهنگ شعر تا بتوانند شعر درست را تشخیص بدهند و این در واقع اهدافی است که این بازی روش تمرکز دارد. اینکه آیا این بازی نیازمند دانش ادبی بالایی هست یا خیر. اگر شما دانش ادبی بالایی داشته باشد زودتر در این بازی برنده میشود.

به خاطر اینکه اگر قافیه بلد باشید، ردیف و وزن شعر بدانید سریعتر از دوستانتون میتونید کارت‌ش را حدس بزنید اساسا رمز موفقیت در این بازی حفظ شعر هست و هر کسی که در واقع شعر بیشتری حفظ باشد در این بازی موفق تر است و خوب می‌دانیم که حفظ کردن شعر چقدر به غنای فرهنگی افراد و جامعه حتی به نحوه بیان‌شون به نحوه تفکرشون و به تقویت حافظه شان میتواند کمک کند.

شما اولین نفری هستید که یک بازی ایرانی را به ثبت رسانده‌اید؟

فکر نمی‌کنم اولین نفری باشم که یک بازی ایرانی را به ثبت میرساند. چون در روزهایی که من به کانون به شورای نظارت بر اسباب‌بازی میرفتم افرادی بودند در حال ثبت کردن بازی ولی شاید در حوزه شعر و بازی کارتی دسته جمعی که می‌تواند دو نفره الی صدنفره برگزار شود. در مدارس، دبیرستان‌ها، کافه بازی‌ها دانشگاه‌ها و در فرهنگسراها این بازی را انجام داد. بازی که به این شکل باشه نداشتیم که ثبت شده باشد. اما قطعاً بازی ایرانی با موضوعات دیگر داریم.

جایی نوشته بودید با معنی کردن نظم و نثر برای دانشجویان به شیوه‌ی ادبیات دوران دبیرستان مخالفید و این شیوه را برای تدریس ادبیات اشتباه می‌دانید. دلیلتون چه هست و برای دانشجویان خودتون با چه شیوه‌ی شعر و ادبیات را آموزش می‌دهید؟ بازی و سرگرمی چقدر برای آشنایی افراد با شاعران و اشعار ایرانی اثرگذار خواهد بود؟

مهمترین هدف ما از طراحی این بازی همین بود. همیشه گفته شده که ما مردم شعر دوستی هستیم اما واقعا یک ایرانی همین ما ایرانی‌ها بی که اغلبمون دیوان حافظ در خانه داریم و یا تعطیلاتمون دوست داریم به دیدن حافظ در حافظیه شیراز برویم، دیدار مولوی به مزار خیام نیشابوری می‌رویم، کتاب‌های شعری را نگه می‌داریم. واقعا اگر یک پژوهش انجام بدهیم ببینیم که هر یک از ما ایرانی‌ها اگر رشته ادبیات نخونده باشد، افراد معمولی تحصیل کرده و تحصیل نکرده چند بیت شعر حفظیم؟ ببینید حفظ کردن شعر و خواندن مستمر شعر در واقع نوعی تعامل با ادبیات و در نتیجه تعامل با میراث فرهنگی ماست و هیچ چیزی مثل تعامل مستقیم با ادبیات نمیتواند فرهنگ ما را زنده نگه دارد و غنا بخشد. وقتی شما شعر زیادی از حافظ و سعدی و مولانا و شاهنامه فردوسی حفظ هستید دیگر نمیتوانید هر ترانه‌ای را از یک خواننده بپذیرید. چون عبار ادبی شما بالا می‌رود، هر شعری به نظر شما زیبا نمیداد چون شما شعر خوب زیاد بلد هستید. شعر خوب زیاد خونیدید، دایره لغات شما و فن بیان شما افزایش پیدا می‌کند چون شما در مغزتان کلمه زیاد دارید برای انتخاب کردن هنگام حرف زدن.

این حتی به نظر من موجب تقویت سینما، موسیقی و ترانه میشود. به خاطر اینکه مردمی که سواد ادبی بالایی داشته باشند دیگر نمیتوانند هر چیزی را به عنوان کالای فرهنگی در حوزه سینما ترانه تئاتر عرضه کنید. سلیقه ادبی مردم ما را این تعامل مستقیم با شعر و خواندن مستمر شعر و حتی حفظ کردن آن بالا میبرد.